درگذشت بنیانگذار دانشگاه قم

آیت‌الله قاضی رییس دانشگاه قم و عضو برجسته جامعه مدرسین حوزه علمیه قم صبح روز دوشنبه، دار فانی را وداع گفت. آیت‌الله مهدی قاضی خرم آبادی نماینده اسبق امام خمینی در استان لرستان، بنیانگذار و رییس دانشگاه قم از سال ۱۳۵۹، معاون سابق شورای عالی قضایی کشور، معاون اسبق شورای مدیریت حوزه علمیه قم، دبیر و عضو هیئت عفو امام و رییس هیئت مدیره مرکز خدمات حوزه علمیه قم بوده است.

قاضی از پنج ماه پیش به دلیل بیماری کلیوی دیالیز می‌شد که صبح روز دوشنبه ساعت ۱۰ بر اثر سکته قلبی در بیمارستان ایرانمهر تهران دار فانی را وداع گفت.

حسینی بوشهری: ما بی‌خبریم

نایب رییس دوم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در خصوص انتشار خبری مبنی بر تشکیل کمیته شش نفره جهت بررسی مشکلات و موانع سر راه تفاهم دولت و مراجع عظام تقلید اظهار بی‌اطلاعی کرد.

آیت‌الله حسینی‌بوشهری در گفت‌وگو با مرکز خبر حوزه گفت: هنوز هیچ تصمیمی‌پیرامون بررسی تعامل و تفاهم دولت و مراجع معظم تقلید در جامعه مدرسین حوزه گرفته نشده است.

گفتنی است، اخیرا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار به نقل از یک سایت خبری، از تشکیل این کمیته خبر داده بود.

مباحثه فقهی- حقوقی درباره رابطه جرم با عمل حرام

متکفل امر خدا نشویم

محمد منصوری بروجنی

سلسله نشست‌های دکتری گروه حقوق جزای دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی در این ماه میزبان آیت‌الله دکتر سید مصطفی محقق داماد بود تا از رابطه "جرم" و "عمل حرام" سخن بگوید. وی که از حقوق‌دانان نامی‌کشور و از مدیران عالی دستگاه قضایی در دهه نخست جمهوری اسلامی بوده است، با توجه به انتسابش به چند بیت مشهور حوزوی قم و نجف و نیز با برخوردار بودن از تحصیلات عالی حوزوی از کارشناسان مهم این مباحث به شمار می‌آید. وی هفته گذشته در حضور جمعی از دانشجویان و استادان رشته حقوق دانشگاه بهشتی درباره نگاه فقهی - حقوقی خود به مقوله جرم انگاری عمل حرام سخن گفت.

نگرانی‌های نظری و رویه قضایی

هر چند خود حقوق‌دانان به این واقعیت معترفند که گاهی از متن واقعیات جامعه به دور می‌افتند، اما اطلاع یافتن این فقیه-حقوق‌دان با سابقه از رأی یک دادگاه، دغدغه تبیین تئوریک تفاوت های جرم و عمل حرام را برای وی زنده کرد:

فردی به دادسرا فراخوانده می‌شود، وی با رد اتهام انتسابی، منکر ارتکاب جرم شده بود؛ اما پس از این‌که با صدای ضبط شده‌اش مواجه می‌شود، به ارتکاب جرم اعتراف می‌کند. متاسفانه پس از آن دادگاه آن فرد را هم به جرم مذکور و هم به جرم دروغ محکوم می‌کند

مبنای حکم دادگاه، ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری است که دادگاه را مکلف می‌کند "حکم هر قضیه را در قوانین مدون بیابد و اگر قانونی در خصوص مورد نباشد با استناد به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید" و به هر تقدیر قاضی نمی‌تواند به بهانه ابهام، اجمال،نقص یا تعارض در قوانین مدون از صدور حکم استنکاف نماید. مستمسک قانونگذار برای گذراندن این قانون در سال ۷۸، اصل ۱۶۷ قانون اساسی بود که قلمرو شمول آن و این که آیا فراتر از دعاوی خصوصی در امور کیفری نیز ممکن است که به کاربسته شود، از چالش برانگیزترین مجادلات دانشکده های حقوق در طی سالیان گذشته بوده است.

اگرچه خوشبختانه استناد به این ماده برای جرم انگاری اعمالی که حرمت آن صرفا در متون مقدس آمده و هیچ‌گاه از مخیله مجلس قانونگذار نگذشته است، تبدیل به رویه قضایی نشد. اما وقوع برخی استثنائاتی همانند جنس حکمی که ذکر آن رفت، هر کسی را اندیشناک می‌کند. علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد.

"جرم" و "عمل حرام"؛ اهالی دو قبیله متفاوت

مدیر گروه حقوق اسلامی دانشگاه شهید بهشتی در ادامه گفت: "جرم و عمل حرام برآمده از دو فرهنگ اند؛ جرم برآمده از نظام قانونمند، این جهانی و صرفا به منظور حفظ نظم عمومی‌است. حال آن‌که حرام از قبیله قدسیِ فرهنگی دینی است که از لحاظ کلامی ضمانت اجرای آن "بعد و قرب الهی" است. وی سپس با نگاهی تاریخی به مساله تدریج در تاریخ تحول اسلامی‌اشاره کرد و ادامه داد: قرآن مجید در هنگام نزول در مکه از هیچ‌گونه قدرت سیاسی بهره‌مند نبود، اما بارها در قرآن به واژه اثم، خطیئه، سیئه، حرام و از همه بالاتر "مقت" برمی‌خوریم.

محقق داماد افزود: اگر در همان روزهای نخستین که نه نظامی وجود داشت و نه نظمی اجتماعی، پیامبر اکرم گفت گناه نکنید، مردم چه درکی از عمل حرام داشتند؟

وی سپس به برخی آیات قرآن اشاره کرد و گفت: مثلا در آیه ۵۹ سوره یونس که خطاب به علمای یهود است، منظور از حلال و حرام چیست؟ یا زمانی که در سوره اعراف در معرفی پیامبر گفته می‌شود پیامبر کسی است که حرام و حلال را معرفی می‌کند، در آن روزهای نخستین که پیامبر حتی خود تامین جانی نداشت چه رسد به نظام تضمین، مردم چگونه درکی از حلال و حرام داشته‌اند؟ آیا مردم این‌گونه دریافت می‌کرده‌اند که بناست در آینده نظامی‌تشکیل شود و حکومتی بر این مبنا شکل بگیرد و ...؟! چنین به نظر نمی‌رسد، بلکه مردم آن زمان قطعا برداشتی معنوی و "خوب و بدی" از قضیه داشتند.

به بیان این استاد دانشگاه زمانی که عملی حرام خوانده می‌شد، به استثنای مواردی که جزو حدود به حساب می‌آمد، مردم صرفا بر اساس درکشان از "قرب و بعد الهی"، از امور حرام اجتناب می‌کردند. آیت‌الله محقق داماد سپس به تحقیق عمیقش راجع به تاریخ صدر اسلام اشاره نمود و گفت:بعد از تشکیل حکومت، یک‌بار سابقه نداشته است که کسی به خاطر کارهایی که در قرآن حرام، اثم، جریره و... نامیده می‌شود، مجازات شده باشد.

وی چنان تاکید موکدی بر این قضیه داشت که افزود: اگر کسی می‌تواند نمونه‌ای تاریخی از صدر اسلام بیاورد که فردی به خاطر ارتکاب یکی از گناهان که دامنه وسیعی هم دارند، مجازات شده باشد.

این پژوهشگر علوم اسلامی گفت: متاسفانه بعد از رحلت پیامبر اکرم، حکومتی شکل گرفت که به تعبیر امیرالمومنین حکومت تندی بود. علت این تعبیر حضرت امیر، تازیانه‌هایی است که در زمان خلیفه دوم، برای اعمال حرامی‌که سابقه تازیانه نداشتند و بعضا حتی سابقه حرمت هم نداشتند، زده می‌شد. این چنین رسم شلاق زدن تثبیت شد. اما در همان زمان هم این‌گونه نبود که برای هر عمل حرامی‌مردم تنبیه و مجازات شوند.

دکتر مصطفی محقق داماد در نهایت چنین نتیجه گرفت که جرم چارچوب خاصی دارد، نشأت گرفته از یک قبیله دنیوی و پدید آمده از مسیر قوانین دنیوی است. حال آن‌که حلال و حرام چارچوبی برای حفظ قدسیت دینی است و باید دقت داشت که با در نظر داشتن این حریم، به ازای هر حرامی، جرمی‌در نظر نگیریم.

هر گناهی مجازات حقوقی ندارد

در واقع تمام این بحث‌ها برآمده از دو گونه تفسیری است که از این اصل قانون اساسی می‌شود: قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوای معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

همان گونه که گفته شد این اصل در ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری بازتولید شده است. اما جمع کثیری از حقوق‌دانان بر این باورند که این اصل شامل امور کیفری نمی‌شود و محدود به امور مدنی و دعاوی خصوصی افراد است.

محقق داماد که خود ناظم کمیسیون تهیه پیش‌نویس قانون اساسی بود گفت: در زمان طرح این اصل، به هیچ وجه امور جزایی در ذهن نویسندگان نبود." وی ادامه داد: "حتی زمانی هم که این بحث طرح می‌شد، مرحوم شهید بهشتی که خود از پیشنهاد دهندگان بود می‌گفت: قرینه دعوا نشان می‌دهد اصل ناظر به حقوق خصوصی است نه امور جزایی.

رییس پیشین سازمان بازرسی کل کشور با طرح این موضوع که من معتقدم قانون را نباید نقض کرد اما گریزی از نقد قانون نیست، گفت: از شورای نگهبان انتظار می‌رفت تا ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری را به استناد مغایرت با این اصل قانون اساسی رد کند.

آیت‌الله سپس به این قاعده اشاره کرد که تعزیر برای هر عمل حرامی از صغیره و کبیره است و گفت: معنای این قاعده این است که حاکم هرگاه مصلحت بداند، می‌تواند برای هر عملی که بد می‌بیند مجازات تعیین کند، اما این مشروط به اعلام قبلی است، و نمی‌توان بدون این که جرم بودن عملی اعلام شود، مرتکب آن را مجازات کرد.

محقق داماد سپس گفت جرم‌انگاری محرمات، خدمت به دین نیست چرا که بعضی از محرمات، فارغ از کوچک و بزرگ بودن‌شان در حوزه برخورد خداوند است. وی به صحیحه زراره اشاره کرده که از امام صادق نقل می کند: خدا خبائث را در اتاقی قرار داده و کلیدی برای آن است که آن کلید شراب است و دروغ بدتر از آن است.

محقق داماد ادامه داد: اما شراب شلاق دارد و دروغ ندارد و این یعنی شدت و حدّت عمل حرام سبب نخواهد شد که برای آن مجازات قرار دهیم.

مباحثه گلزاده غفوری و بهشتی

در ادامه این نشست دکتر رضا نوربها مدیر گروه حقوق جزای دانشگاه شهید بهشتی به تذکاری تاریخی پرداخت که در کمیسیون پیش‌نویس قانون اساسی میان آقای گلزاده غفوری و مرحوم بهشتی راجع به اصل ۱۶۷ این مباحثه پیش می‌آید و گلزاده غفوری که حقوق‌دان بوده است بر این اصرار می ورزد که این اصل صریحا محدود به امور کیفری شود اما شهید بهشتی نمی‌پذیرد. وی با این مقدمه به طرح این پرسش پرداخت که آیا به نظر نمی‌رسد که خود شهید بهشتی نیز طرفدار تسری این اصل به امور کیفری بوده است وگرنه چه دلیلی برای امتناع او وجود داشت؟

محقق داماد با ذکر این نکته که خود در هنگام آن مباحثه حضور داشته است گفت استدلال شهید بهشتی این بود که کلمه دعوا کفایت می‌کند. وی افزود: دغدغه های نایب رییس مجلس خبرگان قانون اساسی در این زمینه بیشتر دغدغه هایی سیاسی و دیپلماتیک بود، چرا که در مجلس کسانی حضور داشتند که در برابر چنین تصریحی موضع می‌گرفتند، کما این که در برابر اصل منع شکنجه موضع گرفتند. وی ادامه داد شهید بهشتی با گنجاندن کلمه دعوا، دایره شمول اصل را محدود به امور خصوصی کرد، اما متاسفانه همان فکر و ایده ای که مرحوم بهشتی از آن می‌ترسید در سال های بعد آمد و چنان قانونی را تصویب کرد.

حق نداریم متکفل امر خدا شویم

نفر بعدی که به طرح پرسش پرداخت، دکتر جعفر کوشا بود. وی با گریزی به اصل چهارم قانون اساسی گفت طبق این اصل بناست که قوانین ملهم از قواعد اسلامی باشد. وی با تبیین رابطه جرم و عمل حرام به عنوان رابطه عموم و خصوص من وجه، گفت: محل نزاع در جایی است که عملی حرام باشد ولی جرم نباشد، و گرنه هیچ اشکالی ندارد که از مقدسات برای تنویر افکار عمومی‌بهره ببریم. او افزود: در اینجا به این پرسش می‌رسیم که آیا برای اجتناب از عمل حرام باید از مجازات استفاده کرد که به نظر می‌رسد باید دانست آیا عمل حرام از مقوله بشری است یا نه؟ به عقیده وی در مواردی که عمل حرام بعد بشری دارد، ایرادی بر جرم انگاری آن عمل نیست.

محقق داماد، راجع به اصل چهار گفت: طبق اصل چهارم بنا نیست که قواعد، "منطبق بر اسلام" باشند، بلکه قصد بر این است که قواعد، "مغایر اسلام" نباشند. پس از این توضیح وی باز هم بر تفکیک ماهیتی جرم و عمل حرام پای فشرد: "حرام، تعدی از حکم الله است و جرم، تخطی از نظم اجتماعی دنیوی" وی ادامه داد: از طرفی ما حق نداریم متکفل امور خدا شویم و از سوی دیگر در جرم، آن حرمتی که موجب نقض حریم الهی باشد، وجود ندارد.

او افزود: حتی در مواردی که قرآن از صیغه جرم استفاده می‌کند، این اشتراک در لفظ نباید ما را به اشتباه بیاندازد، چرا که در همان جا هم مرادی اخروی از این لفظ وجود دارد.

حجت الاسلام دکتر رحیم نوبهار دیگر استاد دانشگاه شهید بهشتی در این نشست گفت: قرار دادن ضمانت اجرای کیفری برای امور اخلاقی، سرچشمه اخلاق را می‌خشکاند. اخلاق چیزی است که از اراده آزاد افراد سرچشمه می‌گیرد. این روحانی و استاد دانشگاه ادامه داد: "من نگرانم که قضات بخواهند به استناد ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری حکم بدهند.

به عقیده وی هیچ قاضی پایبند به اصول و مبانی چنین حکمی‌را صادر نخواهد کرد چرا که در رجوع به کتب فقهی با تیتر بزرگ قاعده قبح عقاب بلابیان روبرو می‌شود: خود فقه به ما چنین اجازه‌ای نمی‌دهد که بدون اعلام قبلی، عملی را جرم بدانیم.

وی سپس به اصل چهارم پرداخت و گفت: اطلاق و عمومی‌که در این اصل می‌آید ظاهر است، اما اصل سی‌وششم که حکم به مجازات و اجرای آن را تنها از طریق دادگاه و به موجب قانون می‌داند، نص است و همه می‌دانیم نص بر ظهور برتری دارد.

وظیفه قانونگذار؛ تأمین مصالح عمومی

دکتر شاملو دیگر استاد گروه حقوق جزای دانشگاه شهید بهشتی از سخنران پرسید که ملاک تفکیک عمل حرام و جرم چیست؟ چرا که برخی معتقدند تظاهر به روزه‌خواری و بدحجابی تعرض به حقوق دیگران است. آیت‌الله دکتر محقق داماد چنین پاسخ داد که جرم انگاری عمل وابسته به نظر قانونگزار است. اوست که بر اساس مصالح و مفاسد مردم باید تشخیص بدهد که کدام عمل مضر به نظم عمومی‌اجتماعی و جرم است و کدام عمل جرم نیست.

وی گفت: قانونگذار باید از بعد خدایی قضیه منصرف شود و به چیزی جز مصالح عمومی‌نیاندیشد. این متفکر مسلمان در تبیین این قضیه گفت : متاسفانه حنظل تفکر اشعری، هنوز که هنوز است کام امامیه را که عدلیه هستند تلخ می‌کند، چرا که گروهی از اشاعره بر این باور بودند که حکومت تنها حافظ احکام الله است و هیچ تکلیفی به مصالح دنیوی مردم ندارد.

قانون، قضات مجتهد، متون مقدس

آیت‌الله محقق داماد که خود فرزند یکی از بزرگترین مراجع معاصر و نیز نواده مؤسس حوزه علمیه قم است در ادامه به مسأله قضات مجتهد پرداخت و گفت وقتی کسی در چارچوب یک نظام قانونی به مقام قضا منصوب می‌شود تنها در همان محدوده ای که به وی تفویض شده است اختیار دارد. حتی مجتهدترین مجتهدین هم نمی‌تواند به خاطر نظر خود از نظام قانونی مستقر عدول کند.

وی در پاسخ به سوالی در مورد لزوم استفاده از متون مقدس در امر تقنین گفت: "ما برای جرم انگاری به سراغ متون مقدس نمی‌رویم، بلکه برای اخذ تعاریف و عناصر است که از این متون بهره می‌بریم." وی چنین به شرح نظر خود پرداخت که این طبیعی است که در یک جامعه مسلمان، اکثر نمایندگان مردم مسلمان باشند. این نمایندگان هم وکالتشان مبتنی بر خواستی است که این مردم از آنان دارند. در این معنا نمایندگان بنا به خواست موکلین خودشان به متون مقدس رجوع می‌کنند و از محتوای این متون در قانونگذاری استفاده می‌کنند، اما پس از این که قانون طبق آیین خودش وضع شد دیگر نمی‌توانیم به آن ریشه های قدسی بدهیم.

نگرانی این استاد درجه یک حقوق و دانش‌آموخته بلندپایه حوزه علمیه، نگرانی بی‌جهتی نیست. ریشه نگرانی استاد در زمینه استقرار دولت حقوقی و حاکمیت قانون است. جدال میان هواداران حکومت قانون و مخالفان آن جدالی قدیمی‌است. جدالی که هر روز و در هر سرزمین به شکلی جلوه می‌کند. جدالی که یک سو می‌خواهد چراغ های راهنمایی شهر را روشن کند تا نظم برقرار شود و دیگر سو نادانسته کمر همت به خاموشی چراغ‌ها می‌بندد و بر سر هر چهار راه دست به دامان پلیسی می‌شود.

یاد

آن‌ها همیشه متهمند

به بهانه سالروز شهادت امام جواد و امام باقر (علیهماالسلام)

علی اشرف فتحی

از روزگار امام محمد باقر در اوایل قرن دوم هجری تا دوران امامت امام جواد در اوایل قرن سوم، شیعیان قرنی متلاطم و پرحادثه را گذراندند و از دوران شکوفایی علمی‌دو امام پنجم و ششم تا دوران اقتدار سیاسی موقت در عصر مأمون به عصر محدودیت ها و فشارهای شدید سیاسی و اجتماعی در عصر چهار امام واپسین شیعه رسیدند.

دوره امام باقر با آغاز درگیری های امویان و عباسیان و انحطاط تدریجی مروانیان همزمان شد و بهترین فرصت را به پیشوایان شیعه داد تا به بازتولید مفاهیم اعتقادی خویش بپردازند. این دوره پررونق با قدرت گیری عباسیان به سال های رقت بار عصر هارون الرشید رسید که پیشوای شیعه (امام موسی کاظم) با سیاست های بی رحمانه دولت عباسی به مهم ترین زندانی سیاسی تاریخ شیعه بدل شد.

در تمامی‌این یک قرن که شیعه توانست همه‌گونه شرایط سیاسی و فرهنگی را تجربه کند، یک ویژگی در تمامی‌این سال‌ها مشترک بود و آن متهم بودن امامان شیعه و پیروان آن‌ها به اتهام سنگینی به نام "تلاش برای براندازی دو حکومت اموی و عباسی". اتهامی که گاهی تا مرز تلاش برای نابودی بی‌رحمانه امام شیعیان پیش رفت (واقعه کربلا) و گاهی نیز به حبس چندین ساله امامی‌دیگر (امام موسی کاظم) منجر شد.

امامان دیگر نیز وضع چندان بهتری نداشتند. امام سجاد هم که به دلیل پیامدهای سنگین فاجعه عاشورا تا حدودی از خشم مکرر یزیدیان مصون مانده بود، آن‌قدر در تنگنا قرار گرفت که نه می‌توانست همچون پدرش با مرگ خونین خود فریاد بیدادخواهی سر دهد و نه می‌توانست با ماندنش به آگاهی بخشی لازم اقدام کند. تا جایی که به ناچار از ابزار دعا برای

رساندن پیام خود به پیروانش و تعلیم آن‌ها مدد می‌گرفت.

حتی امام رضا نیز که تا مرز ولیعهدی مأمون عباسی پیش رفت و به ظاهر از مقربین درگاه خلیفه شد، از آزادی‌های کافی برای فرهنگ‌سازی و بیان عقاید خویش بی‌بهره بود و او را تا جایی تحمل می‌کردند که مزاحم حکومت عباسیان نباشد. برای همین بود که حتی امامت نماز عید فطر توسط او نیز مضر تشخیص داده شد.

امام رضا واپسین امام شیعه بود که او را در حد ظاهری تحمل کردند. پس از وی فرزند نوجوانش امام جواد به امامت رسید و خوش درخشید. همین درخشش زودهنگام این پیشوای کم سن و سال به مذاق حاکمان خوش نیامد و او را نیز "برانداز" تشخیص داده و به اعتقاد شیعیان در سن ۲۵ سالگی مسموم و شهیدش کردند.

اگرچه به جز امام علی و امام حسین (علیهماالسلام)، شهادت باقی امامان شیعه مورد اتفاق تاریخ‌نگاران مسلمان نیست، ولی سن بسیار کمتر از حد معمول این پیشوایان می‌تواند قرینه و مؤیدی برای پذیرش نظر شیعه مبنی بر به شهادت رساندن آنان باشد. کهن سال‌ترین امام شیعه، امام صادق است که ۶۵ سال زیسته است. به ویژه آن‌که امامان پس از امام رضا علاوه بر آن‌که مورد آزارها و محدودیت‌های ظاهری فراوانی قرار گرفته و عملا در حصر نظامی و خانگی زندگی کردند، سن آن‌ها نیز بسیار کمتر از حد معمول بود. قدرت یافتن عباسیان بر حساسیت آن‌ها نسبت به امامان شیعه افزود و این "برانداز‌ان همیشه تاریخ" را به مظلوم‌ترین اپوزیسیون آن روزگاران بدل کرد.